

تا همین هفتاد، هشتاد سال پیش معروف است و خیلی هم معروف است که مردمان در شهر می گشتند و هر مکتبخانه‌ای را که با تر که چوب، بیشتر تر سر و روی شاگرد می زد و اثر کیودی آن دیده می شد، برای تحصیل فرزندان شان انتخاب می کردند و پول بیشتری می دادند تا بچه این گونه تعلیم شود! بعد هم از سعدی علیه‌الرحمۀ ی‌یاد می کردند که در داستانی فرموده وقتی اولیای یک مدرسه، «معلم تشروری تلخ گفتار بدخوی مردم‌آزار» را اخراج کردند و کرسی معلمی را به «پارسای سلیم نیک‌مرد حلیم که سخن جز به حکم ضرورت نگفتی و موجب آزار کس بر زبانت نرفتی» سپردند، اوضاع چنان شد که «کودکان را هبیت استناد نخستین از سر برقت و معلم دومین را اخلاق ملکی دیدند و یک یک دیو شدند. به اعتماد علم او ترک علم دادند. اغلب اوقات به بازیچه فرام نشستندی و لوح در سست ناکرده در سر

هر بار که خشونت در کلاس‌های درس رخ می دهد، زخمی تازه بر پیکر آموزش وارد می‌شود. به تاریگی فیلمی در فضای مجازی منتشر شده که قلب‌ها را به درد آورده است؛ معلمی مسن، در برابر چشمان حیرت‌زده دانش‌آموزان، نوجوانی را با سیلی و لگد تنبیه می کند. معلمی که باید تجربه زیادی در نحوه برخورد با دانش‌آموزان داشته باشد. این فیلم تلخ اما، تنها یک حادثه نیست، بلکه یادآور زخمی کهنه است؛ تکرار تنبیه بدنی در مدارس. با وجود ممنوعیت قانونی این رفتار همچنان در برخی کلاس‌ها تکرار می‌شود و فضای آموزش

معلم حرفه‌ای خشونت ندارد

در دنیای پیچیده تعلیم و تربیت، رسانه‌ها نقش اساسی در انعکاس مشکلات آموزشی دارند. سیدمحمد مرد، دکنشای مدیریت آموزشی در گفت‌وگو با «جوان» به این موضوع اشاره می کند که رسانه‌ها، اغلب مسائل آموزش و پرورش را در چارچوبی ساده و قابل فهم ارائه می دهند، اما این روند ممکن است به زیان نظام آموزشی تمام شود:

«جامعه دوست دارد که مسائل پیچیده را خلاصه کند تا فهم آنها آسان تر شود، اما این نگاه سطحی، مشکلات اصلی را از دیده‌ها پنهان می کند.» او می گوید: «رسانه‌ها، در بیشتر موارد، تنها بخشی از بحران آموزش و پرورش را بر جسته می کنند؛ مدارس محروم، شهریه‌های سرسام آور و تنبیه بدنی دانش‌آموزان. تنبیه بدنی به‌ویژه زمانی بر جسته می شود که قابل تصویرسازی باشد؛ مثلاً دانش‌آموزی با کیودی، انتقال به بیمارستان، یا ترسی که در چشمان او موج می زند. این تصاویر احساسات عمومی را تحریک می کنند، اما آنچه در پس پرده باقی می ماند، نظام آموزشی‌ای است که با کمبود معلمان توانمند، ضعف برنامه‌های درسی، و فقدان روش‌های نوین تدریس دست‌وپنجه نرم می کند.»

■ معلم حرفه‌ای نیازی به خشونت ندارد

دکتر مرد تأکید می کند که تنبیه بدسنی در مدارس ابتدایی باید به‌طور کامل ریشه کن شود، اما در کنار تنبیه بدنی، نوبی دیگر از خشونت در مدارس جریان دارد؛ تنبیه روانی: «نادیده گرفتن، تحقیر، جدا کردن دانش‌آموز از جمع و محروم کردن او از فعالیت‌های گروهی، آسیب‌هایی هستند که آثار اثراث مخرب‌تری از تنبیه فیزیکی دارند. این روش‌ها شاید در رسانه‌ها بازتاب نیابند، اما در ذهن دانش‌آموز حک می شود و اعتمادبنفیس او را به‌شدت کاهش می دهد.»

او بر اهمیت «قوتی مثبت» به عنوان بهترین روش اصلاح رفتار تأکید دارد. «تشویق، نه تنها جایگزینی برای تنبیه است، بلکه تأثیری پایدارتر در شکل‌دهی رفتارهای مطلوب دانش‌آموزان دارد. معلمان حرفه‌ای، به جای مجازات، از انگیزه‌های درونی و بیرونی بهره می برند؛ از پادش‌های ملموس گرفته تا حس رضایتی که دانش‌آموز با عملکرد مثبت خود تجربه می کند، اما نکته اساسی این است که اصلاح کلی نظام تربیتی باید در دستور کار قرار گیرد تا مدارس به جای فضایی آمیخته با ترس، مکانی برای تعامل و رشد شوند.»

دکنشای مدیریت آموزشی، تجربه کلاس‌های پر جمعیت را مثال می زند: «کلاس‌هایی با ۴۰ تا ۶۰ دانش‌آموز وجود دارد که معلم، بدون تنبیه و تنها با مهارت‌های مدیریتی، کلاس را به خوبی کنترل می کند. این یعنی یک معلم حرفه‌ای نیازی به خشونت ندارد؛ او را فضا‌سازی آموزشی، ارتباط سازنده، و روش‌های تدریس خلاقانه، نظم را برقرار می کند.»

■ مشکلاتی فراتر از تنبیه بدنی

با این حال، برخی دانش‌آموزان به دلایل مختلف رفتارهای مخرب از خود نشان می دهند. دکتر مرد معتقد است، «ممکن است دانش‌آموزانی که از خانواده‌های پر تنش آمده‌اند، در مدرسه رفتارهای غیرقابل کنترل بروز دهند. در یک مدرسه استاندارد، این دانش‌آموزان باید تحت نظر مشاوران قرار گیرند تا مشکلاتشان ریشه‌یابی شود، اما در بسیاری از مدارس، چنین برنامه‌ای وجود ندارد و بدتر اینکه، برخی معلمان، ناهنجاری‌های رفتاری آنها را با خشونت پاسخ می دهند.»

او می گوید: «آموزش و پرورش تلاش کرده تا مطالبه عمومی برای حذف تنبیه بدنی را بر آورده کند. هر زمان که خبری از خشونت علیه دانش‌آموزان منتشر می شود، مسئولان واکنش سریع نشان داده و معلمان خاطی را مجازات می کنند، اما مشکلات اصلی مدارس، فراتر از تنبیه بدنی است؛ فضای بی‌روح کلاس‌ها، کمبود تعامل مثبت میان معلمان و دانش‌آموزان، محتوای درسی غیر کاربردی و نبود معلمان متخصص. مسائلی هستند که همچنان بدون پاسخ مانده‌اند.»

■ لزوم تدوین چارچوب حقوقی روشن

دکتر مرد همچنین بر اهمیت منزلت اجتماعی معلمان تأکید دارد: «برخی موارد خشونت، ناشی از تضعیف جایگاه معلم است. در برخی کشورها، بی‌احترامی دانش‌آموزان به معلم، تخلف قانونی محسوب می شود. حفظ اقتدار معلم، نه تنها برای او، بلکه برای کیفیت آموزش ضروری است.» اما در کنار منزلت معلم، حقوق دانش‌آموز نیز باید مورد توجه قرار گیرد. در بسیاری از مدارس، دانش‌آموزان از حقوق خود بی‌اطلاع هستند و صرفاً از قوانین مدرسه تبعیت می کنند. دکتری او مدیریت آموزشی پیشنهاد می کند: «چارچوب حقوقی روشنی برای معلمان و دانش‌آموزان تدوین شود تا تمام بر خوردها در چارچوب قانونی انجام گیرد، نه در سایه خشونت.»

هم شکستندی» و خلاصه یله «استاد معلم چو بود یی آزار/ خرسک بازند کودکان در بازار» و دست آخر همچون سعدی نتیجه می گرفتند که «یادشاهی یسسر به مکتب داد/ لوح سیمینش بر کنار نهاد/ بر سر لوح او نیشته به زر/ جور استاد به ز مهر پدر» اما نه سعدی از نظام تعلیم و تربیت انتظار مشت و لگد زدن ها و با کابل سیاه کردن ها را داشت و برداشتی اینچنین از نکته سعدی مغالطه است و نه رسوم و سنت‌های قدیم را می توان ادامه داد و نه چنین چیزی در گذشته غلبه داشته، بلکه مهر و عطوفت‌ها بیشتر هم بوده‌است و نه اینکه خلاصه معلمی که نتواند با بچه‌ها هر دوره از زمان بسازد و دوستی کند و کنار بیاید، می تواند در این زمانه با کار ادامه دهد. این است که کتک زدن بچه‌ها هر چند زیاد نیست، اما آنچه گهگاه منتشر می شود هم تأسف‌بار است و باید آموزش و پرورش برای عصر جدید تعلیم و تربیت آماده شود.

را از محیطی امن، به میدان خشم و ناکامی بدل می کند. هر بار، دانش‌آموزان ترس و بی‌پناهی را تجربه می کنند، مردم خشمگین می شوند، مسئولان وعده می دهند، اما این چرخه درناک همچنان ادامه دارد. چقدر دیگر باید شاهد این وقایع باشیم؟ به نظر می رسد نیازمند نظارت سختگیرانه تر، آموزش اصولی تر برای معلمان و اجرای جدی تر قوانین در این خصوص هستیم. بدون شک دانش‌آموزان، آینده جامعه‌اند. حال اگر جامعه‌ای کودکان و نوجوانان خود را از یاد ببرد، در حقیقت آینده خود را گم کرده‌است.

معلمی که تنبیه نمی کند رفتار را می سازد

تنبیه در کلاس‌های درس، بیش از آنکه یک روش تربیتی باشد، واکنشی از سر در ماندگی است. درماندگی از اینکه، دانش‌آموز از قوانین مدرسه سرپیچی می کند، نظم کلاس را به هم می زند یا بی‌احترامی می کند. آن وقت است که برخی معلمان به جای جست‌وجوی راهکار، مستقیماً به خشونت بدنی یا کلامی متوسل می شوند، اما آیا واقعاً هیچ راه جایگزینی وجود ندارد؟ دکتر پرویز رزاقی، روانشناس و مشاور تربیتی در این رابطه به «جوان» می گوید: «اصلاح رفتار باید با روش‌های سازنده انجام شود. هیچ دانش‌آموزی ذاتاً ناهنجار نیست؛ بلکه تعامل مثبت میان معلم و دانش‌آموز می تواند مسیر رفتار او را تغییر دهد.»

رزاقی معتقد است که اولین قدم برای مدیریت رفتار دانش‌آموز، برقراری رابطه‌دوستانه و محترمانه بین معلم و شاگرد است: «وقتی دانش‌آموز به معلم اعتماد کند، حرف‌شنوی بیشتری خواهد داشت و فضای کلاس به جای میدان نبرد، به محیطی سازنده تبدیل می شود، اما اگر این ارتباط شکل نگیرد، راه‌های دیگری برای کاهش ناهنجاری‌ها وجود دارد؛ ایجاد فضای پراثری، سپردن مسئولیت‌های مثبت به دانش‌آموز، تقویت انگیزه درونی و تشویق رفتار مطلوب.»

■ محیط مدرسه هم باید اصلاح شود

دکتر رزاقی همچنین تأکید دارد که گاهی خود ساختار مدارس باعث بروز رفتارهای ناهنجار در دانش‌آموزان می شود: «قوانینی که بیش از حد سختگیرانه‌اند، تکالیف و امتحاناتی که استرس شدید ایجاد می کنند، معلمانی که بیش از حد جدی یا خشک رفتار می کنند؛ همه اینها می توانند مقاومت دانش‌آموز را افزایش دهند و او را به سرکنشی سوق دهند.»

او هشدار می دهد که برخی از روش‌های برخورد با دانش‌آموزان، اگرچه فیزیکی نیستند، اما آسیب‌های جدی‌تری ایجاد می کنند: «نادیده گرفتن، تحقیر در جمع، محروم کردن از فعالیت‌های گروهی و فاصله گرفتن از دانش‌آموز، همگی شکل‌هایی از تنبیه روانی هستند که می توانند اعتمادبنفیس او را از بین بیاورند و باعث سرخوردگی شوند. معلمی که از چنین روش‌هایی استفاده می کند، نه تنها به اصلاح رفتار کمک نمی کند، بلکه باعث تشدید مشکلات خواهد شد.»

■ معضل کمبود مشاوران حرفه‌ای در مدارس حفظ اقتدار کلاس نیازی به خشونت ندارد، بلکه کارایز، احترام و قاطعیت در رفتار معلمان می تواند جایگزین روش‌های تنبیهی شوند؛ موضوعی که دکتر رزاقی بدان اشاره می کند: «وقتی معلم بتواند با ارتباط مثبت، گفت‌وگوهای دوستانه و هدایت تشویق دانش‌آموز به رفتار مطلوب، کلاس را مدیریت کند، نیاز به برخوردهای شدید کاهش می یابد.» این روانشناس تربیتی تأکید دارد که خشونت هیچ‌گاه باعث اصلاح رفتار نمی شود، بلکه باعث می شود فاصله میان معلم و دانش‌آموز بیشتر شود و چرخه سرکشی ادامه یابد: «اگر نظام آموزشی بخواهد به محیطی سالم و پیشرفته تبدیل شود، بهتر است معلمان روش‌های نوین مدیریت رفتار را جایگزین روش‌های سنتی (تنبیه) کنند؛ اما نکته این است که در کنار آموزش کمک خواهد کرد، بلکه معلمان را نیز از فشار روانی ناشی از برخوردهای خشونت‌آمیز دور می کند.»

بدون شک یکی از مشکلات مدارس کشور، کمبود مشاوران حرفه‌ای است؛ مشاورانی که واسطه میان معلم و دانش‌آموزان امکان‌پذیر است. ملک‌زاده باور دارد که اگر این تغییرات به‌درستی اجرا شوند، کلاس‌های درس نه تنها سالم‌تر و پویاتر خواهند شد، بلکه کیفیت آموزش نیز متحول خواهد شد. شاید روزی برسد که در مدارس، نیازی به تنبیه نباشد؛ روزهایی که دانش‌آموز با احترام رشد کند و معلم با آرامش، هدایتگر مسیر یادگیری باشد.

مدیریت کلاس مهارتی که باید آموخته شود

بی تردید کلاس درس باید جایی باشد که در آن، دانش‌آموز احساس امنیت کند، کنجکاوی اش شکوفا شود و یادگیری رایش به تجربه‌ای شیرین تبدیل شود، اما تحقق این هدف، بیش از هر چیز، به مهارت‌های معلمان بستگی دارد؛ به توانایی آنها در ایجاد فضایی که نظم و احترام در آن جریان داشته باشد، نه ترس و خشونت.

ترگس ملک‌زاده، کارشناس آموزش، معتقد است که حفظ نظم در کلاس، نه با تنبیه بلکه با مهارت‌های حرفه‌ای معلم امکان‌پذیر است و در این رابطه به «جوان» می گوید: «بسیاری از چالش‌هایی که معلمان با آن روبه‌رو می شوند، ناشی از نداشتن شناخت کافی از روان‌شناسی رشد و تربیتی است. وقتی معلمان بدانند که هر گروه سنی چه ویژگی‌های رفتاری دارد، دیگر نیازی به برخوردهای تنبیهی نخواهد بود. آنها یاد می گیرند که چطور از روش‌های جایگزین استفاده کنند؛ روش‌هایی که به‌جای اجبار، به تعامل و اعتماد متقابل تأکید دارند.»

او همچنین بر اهمیت آموزش تخصصی معلمان تأکید دارد: «معلمان باید در دوره‌های دانشگاهی و کارگاه‌های عملی، نحوه‌مدیریت کلاس، کنترل هیجانات و برقراری ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان را بیاموزند؛ زیرا بسیاری از برخوردهای نادرست در کلاس، واکنش‌های تکانشی و لحظه‌ای هستند؛ دانش‌آموزی که از روی هیجان بی‌احترامی می کند و معلمی که نتوانسته خشم خود را کنترل کند.»

■ خشم پنهان از تفاوت‌های آموزشی

اما مشکل فقط به معلمان مربوط نمی شود؛ موضوعی که ملک‌زاده بدان اشاره می کند: «خشم پنهان دانش‌آموزان بعد دیگر مارجاست؛ شرایط اجتماعی، اقتصادی و حتی فضا‌ی فیزیکی مدرسه بر رفتار دانش‌آموز تأثیر می گذار. مثلاً بسیاری از دانش‌آموزان، مدارس خود را با مدارس خاصی مقایسه می کنند، تفاوت‌های آموزشی را می بینند و از کمبود امکانات و ضعف روش‌های تدریس، احساس سرخوردگی می کنند. این احساس محرومیت، در درازمدت به خشم تبدیل می‌شود؛ خشمی که ممکن است در کلاس سر باز کند.»

هر چند قوانین صریحی برای منع تنبیه بدنی وجود دارد، اما ملک‌زاده هشدار می دهد که بسیاری از مدارس به این قوانین پایبند نیستند: «هر برخورد اصلاحی در کلاس باید همراه با توضیح و گفت‌وگو باشد. معلم نباید صرفاً واکنش نشان دهد، بلکه باید به تنبیه نداشتنه باشد. این تحول، تنها با آموزش‌های تخصصی به معلمان، تقویت تعاملات مثبت، و تدوین قوانینی روشن برای حفظ احترام دانش‌آموزان امکان‌پذیر است. ملک‌زاده باور دارد که اگر این تغییرات به‌درستی اجرا شوند، کلاس‌های درس نه تنها سالم‌تر و پویاتر خواهند شد، بلکه کیفیت آموزش نیز متحول خواهد شد. شاید روزی برسد که در مدارس، نیازی به تنبیه نباشد؛ روزهایی که دانش‌آموز با احترام رشد کند و معلم با آرامش، هدایتگر مسیر یادگیری باشد.

دانش‌آموزان در هراس، مسئولان در سکوت

عصر جدید تعلیم و تربیت با لگد سازگار نیست!

کارشناسان هشدار می دهند اثرات مخرب تنبیه بدنی دانش‌آموزان تا بزرگسالی آنها ادامه پیدا می کند، در مقابل آموزش و پرورش در برابر درخواست توضیح، درباره سازوکار نظارت بر صلاحیت معلمان سکوت کرده و اداره کل ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات این وزار تخانه حاضر به پاسخگویی سؤالات «جوان» نشده‌است



تنبیه، روشی است که شاید برخی آن را برای کنترل رفتار کارآمد بدانند، اما تأثیری بسیار عمیق‌تر و مخرب‌تر از آنچه تصور می شود، دارد؛ تأثیری که نه تنها دوران کودکی، بلکه تمام مسیر زندگی فرد را تحت‌الشعاع قرار می دهد. ساناژ طغرانی، روانشناس در گفت‌وگو با «جوان» تأکید دارد که کودکانی که در خانه یا مدرسه مورد خشونت جسمی یا کلامی قرار می گیرند، در بزرگسالی با اضطراب، پر خاشگری و مشکلات روانی دست‌وپنجه نرم خواهند کرد. «آنها با خرچ‌های رشد می کنند که دیده نمی‌شوند، اما احساس می‌شوند؛ زخم‌هایی است که می‌توانند روی روابط اجتماعی، عملکرد تحصیلی و حتی شخصیت فرد تأثیر بگذارند.» طغرانی توضیح می دهد: «بسیاری از بزرگسالانی که دچار اختلالات روانی همچون اضطراب شدید یا رفتارهای ضد اجتماعی شده‌اند، در کودکی خود قربانی خشونت بوده‌اند. آنچه کودک می‌آموزد، در آینده همان چیزی است که اجرا می‌کند. اگر او خشونت ببیند، یاد می‌گیرد که خشونت راه‌حل مشکلات است؛ اگر تحقیر شود، یاد می‌گیرد که ارزش خود را زیر سؤال برده اگر ترس را تجربه کند، در زندگی، با ترس تصمیم خواهد گرفت.»

■ ترس‌هایی که منتشر می‌شوند

اما آسیب‌های تنبیه تنها روانی نیستند؛ طغرانی در این رابطه می گوید: «استرس ناشی از تنبیه، رشد مغز را مختل می کند. مناطقی از مغز را که مسئول تصمیم‌گیری، مدیریت احساسات و تمرکز هستند، تحت تأثیر فشار روانی قرار می‌گیرد؛ خشونت در این زمینه، آسیب‌های بیشتری برای بروز رفتارهای مجرمانه رفتارهای خشونت‌آمیز خواهد شد. آنها در مدرسه، دوستانشان را کتک می‌زنند، و در آینده، خشونت را در روابط خانوادگی خود ادامه می‌دهند. آنها یاد می‌گیرند که اطاعت از زور، تنها راه بقاست؛ نه گفت‌وگو، نه استدلال، نه درک متقابل.»

این روانشناس تأکید دارد که تنبیه، چیزی جز مجازات نیست؛ در حالی که تربیت، فرآیندی است که به رشد فرد کمک می کند. «وقتی معلم یا والدین به‌جای خشونت، از گفت‌وگو و آموزش استفاده کنند، کودک یاد می‌گیرد که چگونه مشکلاتش را بدون پر خاشگری حل کند.» او پیشنهاد می دهد: «مدارس باید مهارت‌های حل تعارض و حل مسئله را آموزش دهند، نه تنبیه. معلمان، پیش از ورود به کلاس‌های درس، باید از نظر سلامت روان ارزیابی شوند تاطمینان حاصل شود که تحت فشارهای روانی شدید قرار ندارند.»

طغرانی همچنین هشدار می دهد که انتشار تصاویر و اخبار مربوط به تنبیه دانش‌آموزان، اضطراب شدیدی در نوجوانان ایجاد می کند: «این کودکان، با ترس از اینکه شاید روزی قربانی چنین خشونتی شوند، به مدرسه می‌روند. استرسی که می‌تواند بر یادگیری، عملکرد تحصیلی و حتی روابط آنها تأثیر منفی بگذارد.» تحقیقات در سراسر جهان نشان داده که کودکانی که در مدرسه یا خانه مورد خشونت قرار گرفته‌اند، در آینده احتمال بیشتری برای بروز رفتارهای مجرمانه دارند. خشونت، چرخه‌ای است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود، اما اگر این چرخه متوقف شود، جامعه‌ای سالم‌تر خواهیم داشت؛ جامعه‌ای که در آن، کودک یاد می‌گیرد که با منطق، آرامش و احترام، مشکلاتش را حل کند، نه با ترس و زور.

■ آقایان مسئول! سکوت، راه‌حل نیست

وقتی صحبت از آموزش و تربیت نسل آینده می‌شود، انتظار می‌رود که مسئولان، بیش از هر نهاد دیگری، پاسخگو باشند. انتظار می‌رود که آنها به سؤالات بنیادین پاسخ دهند؛ اینکه چگونه صلاحیت معلمان مورد تأیید قرار می‌گیرد؟ چگونه بر عملکرد آنها نظارت می‌شود؟ و چگونه از سلامت روانی و رفتاری افرادی که مسئول تعلیم و تربیت کودکان هستند، اطمینان حاصل می‌شود؟ اما در مقابل این سؤالات، سکوتی عمیق شکل گرفته‌است. خبرنگار «جوان» تلاش کرد تا از اداره کل ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات وزارت آموزش و پرورش، پاسخ روشنی دریافت کند، اما از سوی آنها هیچ توضیحی داده نشد. حتی هیچ فو‌لی برای حل مشکل‌اتی که هر روز در کلاس‌های درس رخ می‌دهد نیز ندادند.

حال سؤال مهم این است؛ مسئولانی که فرصت پاسخگویی به مهم‌ترین سؤالات آموزشی را ندارند، چگونه می‌خواهند بر این نظام نظارت داشته باشند؟ چگونه می‌خواهند راهکاری برای جلوگیری از آسیب‌هایی که نسل آینده را تهدید می‌کند، ارائه دهند؟!

بی تردید، تنبیه بدنی دانش‌آموزان، نبود سازوکارهای نظارت بر عملکرد معلمان، نبود دوره‌های تخصصی برای تربیت نیروی انسانی و عدم اجرای دقیق قوانین، مسائلی نیستند که بتوان با سکوت، نادیده‌شان گرفت. به هیچ عنوان، سکوت، راه‌حل نیست؛ بی‌توجهی، هیچ زخمی را درمان نمی‌کند. مسئولیت‌پذیری، چیزی نیست که بتوان از آن گریخت، به خصوص وقتی سرنوشת یک نسل در دستان همین مسئولان است، اما این سکوت نمی‌تواند تا همیشه ادامه داشته باشد؛ صدای اعتراض، صدای مطالبه و صدای حقیقت، بالاخره شنیده خواهد شد، و روزی خواهد رسید که دیگر هیچ کودک یا نوجوانی با دستان لرزان، پشت میز مدرسه نشینند، با ترس از آینده‌ای که قرار بود روشن باشد.



وحدت

نه افراط نه تفريط!

چند روز قبل بود که بخش ویدئویی چند ثانیه‌ای حاوی توهین و جسارت به مقدسات برادران اهل سنت از شبکه اول سیما در فضای مجازی و رسانه‌ها حساسی خبرساز شد. مسئولان سیما بلافاصله در اقدامی هوشمندانه با برکناری مدیر بخش شبکه و معرفی عوامل پیش این ویدئو به دستگاه قضایی و صدور بیانیه‌ای در خصوص این اشتباه از بروز هر گونه تنش و سوءاستفاده برخی فتنه‌انگیزان از این مسئله جلوگیری کردند. فردای آن روز در سالروز شهادت امام صادق علیه‌السلام، دعوت شدن یکی از روحانیون اهل سنت به شبکه یک و برخی از اظهارات ایشان، به گسترش دامنه بحث‌ها حول موضوع وحدت اسلامی و تقرب مذاهب در ایران انجامید و باعث شد بسیاری از کاربران به تأیید یا نقد این اقدام بپردازند. مسئله وحدت امت اسلامی و تقرب میان شیعه و سنی، خصوصاً در پنج دهه اخیر، همواره از موضوعات پرچالش نظری بوده‌است؛ مسئله‌ای که گاه منجر به افراط و توهین و جسارت به مقدسات طرفین و گاه منجر به تفريط و عقب‌نشینی‌های اعتقادی شده‌است. نگاهی به سیره عملی و فرمایشات مبارک حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در این موضوع، می‌تواند راهگشای بسیاری از چالش‌های عمیق تئوریک پیش‌روی امت اسلامی در این خصوص باشد.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام چه در دوران ۲۵ سال منع از حکمرانی سیاسی و چه در دوران خلافت خویش بر سرزمین‌های اسلامی همواره تأکید بسیاری بر حفظ برادری میان امت و اتحاد در برابر اشرار و دشمنان اسلام داشتند. حضرت هجک‌گاه اختلافات فکری و اعتقادی درون امت را توجیهی برای زیر پا نهادن وحدت و برادری اسلامی نمی‌دانستند و در موقعیت‌های مختلف تاریخی بر حفظ این ارزش تأکید می‌فرمودند. در خطبه ۱۱۲ نهج‌البلاغه، امیرالمؤمنین علیه‌السلام بر فراز منبر، خطاب به مردم کوفه که متشکل از تملک‌های اعتقادی و گرایش‌های فکری کودکانگونی اسلامی بوده‌اند، فرمودند که «ثما ائتم اخوان علی الدین» همانا شما برادران دینی یکدیگرید. براساس نهج‌البلاغه و فرمایشات گهربار حضرت لبریز است از «یا کم و الفرقه»‌هایی که امت اسلامی را از هر هم‌زدن وحدت و اخوت بر حذر داشته و مردم را به مدارا و زیست برادرانه توجیه فرموده‌است.

حضور فعال حضرت در بسیاری اجتماعات و کنش‌های جمعی مسلمانین در ۲۵ سال دوری از خلافت نیز، خود م‌ؤیدی است بر این ادعای تاریخی. همه اینها اما هرگز موجب انفعال و عقب‌نشینی و کوتاه آمدن از عقاید حقه و خطوط قرمز اعتقادی نشد. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در عین حفظ وحدت اسلامی و رعایت مصالح عامه امت اسلامی، از هر فرصتی برای بیان حقایق دینی و تاریخی و روشنگری‌های اعتقادی بهره می‌بردند. تاریخ حیات مبارک ایشان مناظرات و احتجاجات و خطبه‌های بسیاری در این خصوص به خود دیده‌است. از احتجاج‌های قرآنی و روایی با شخص خلفا و اصحاب سرشناس رسول الله تا سخنرانی‌های عمومی خطاب به عموم مسلمانین جامعه. ایشان بدون اینکه به دشمنی و تفرقه دامن بزنند یا باعث ایجاد تششت و بحران‌های اجتماعی شوند، با استدلال‌های مستحکم و بیان شیوا و لگد لکت، حقیقت را تبیین می‌کردند و حق خلافت و امامت اهل‌بیت بر جامعه را یادآور می‌شدند. کتاب «الاحتجاج» بر محوم طبرسی و خطبه سوم نهج‌البلاغه موسوم به خطبه شششقیه از روشن‌ترین و صریح‌ترین این نمونه‌های تاریخی است.

در جهاتی که مستحکبران و دشمنان اسلام با تمام توان به دنبال تفرقه‌افکنی میان مسلمانان هستند، بازگشت به سیره امیرالمؤمنین در خواش مفهوم اصل وحدت اسلامی گره گشای امت اسلامی است؛ وحدتی به معنای هم‌زیستی و همکاری و برادری در عین احترام به تنوع عقاید، گفت‌وگوها و مجامعت‌ها هستند. همچنین تأکید بر خطوط قرمز اعتقادات مذهبی و عدم عقب‌نشینی از اصول. در پایان یادآوری این فرمایش مقام معظم رهبری در تبیین مفهوم صحیح وحدت اسلامی مفید خواهد بود که «مراد ما از وحدت اسلامی، یکی شدن عقاید و مذاهب اسلامی نیست. میدان برخورد مذاهب و عقاید اسلامی و عقاید کلامی و عقاید فقهی - میان برخی عقاید خودش را دارد و خواهد داشت - میدان علمی است، میدان بحث فقهی است، میدان بحث کلامی است و اختلاف عقاید فقهی و کلامی می‌تواند هیچ تأثیری در میدان واقعیت زندگی و در میدان سیاست نداشته باشد. مراد ما از وحدت دنیای اسلام، عدم تنازع است؛ «ولاتنازعوا فلفشوا».



حمل‌ونقل ریلی پایتخت به ۳۰۸ کیلومتر و ۱۶۰ ایستگاه رسید

سختگویی شهرداری تهران گفت: شبکه حمل‌ونقل ریلی پایتخت به ۳۰۸ کیلومتر مسیر و ۱۱۶۰ ایستگاه رسید. عبدالملطهر محمدخانی، سختگوی شهرداری تهران از افزایش ۵۰ کیلومتر مسیر ریلی و بهرپرداری از ۱۹ ایستگاه جدید خبر داد و اعلام کرد: این اقدامات گامی مهم در راستای کاهش ترافیک، آلودگی هوا و بهبود کیفیت زندگی شهروندان محسوب می‌شود. محمدخانی با بیان اینکه حمل‌مترو تهران به‌عنوان ستون فقرات حمل‌ونقل عمومی، نقش کلیدی در کاهش وابستگی به خودروهای شخصی و تسهیل سفرهای درون شهری دارد، اظهار کرد: توسعه این شبکه علاوه بر کاهش زمان سفر، موجب کاهش مصرف سوخت، کاهش آلودگی هوا و افزایش بهره‌وری اقتصادی می‌شود.

رئیس مرکز ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری تهران با اشاره به اینکه در دوره ششم مدیریت شهری، توسعه خطوط مترو تهران با سرعت بیشتری دنبال شده‌است، عنوان کرد: در این دوره از مدیریت شهری طول خطوط حمل‌ونقل مترو به ۳۰۸ کیلومتر رسید و تعداد ایستگاههای آن به ۱۶۰ ایستگاه افزایش یافته‌است. وی با بیان اینکه ۵۰ کیلومتر مسیر ریلی جدید به شبکه مترو اضافه شده‌است، خاطر نشان کرد: علاوه بر ۵۰ کیلومتر مسیر ریلی ۱۹ ایستگاه جدید به بهره‌برداری رسیده‌است. این توسعه، نه تنها ظرفیت حمل‌ونقل عمومی را افزایش داده، بلکه امکان دسترسی شهروندان به نقاط مختلف شهر را تسهیل کرده‌است.

محمدخانی توضیح داد: طول خط ۱ مترو تهران به ۴۲ کیلومتر افزایش یافته و دارای ۱۲۹ ایستگاه است که ارتباط مناطق مهمی از شمال تا جنوب مترو تهران به‌عنوان نخستین خط برون‌شهری تهران درباره خط ۲ مترو تهران ادامه داد: خط ۲ مترو نیز با ۲۶ کیلومتر مسیر و ۱۲۲ ایستگاه یکی از پرترددترین خطوط مترو محسوب می‌شود و به تسهیل رفت‌وآمد روزانه شهروندان کمک کرده‌است. به گفته وی خط ۲ مترو پایتخت با گسترش برای سفرهای شهری تبدیل شده‌است. همچنین، خط ۲ مترو که یکی از مهم‌ترین مسیرهای ارتباطی شرق به غرب تهران است، اکنون ۲۶ کیلومتر طول دارد و شامل ۱۲۳ ایستگاه می‌شود. محمدخانی با بیان اینکه خط ۵ مترو تهران به‌عنوان نخستین خط برون‌شهری مترو، به طول ۳۳ کیلومتر و ۱۱ ایستگاه رسیده‌است، یادآور شد: توسعه خط ۶ شبکه مترو پایتخت نیز با رسیدن به ۲۲ کیلومتر مسیر و ۱۲۴ ایستگاه، به افزایش ظرفیت حمل‌ونقل در مناطق جنوبی و مرکزی کمک کرده‌است. رئیس مرکز ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری تهران درباره خط ۷ به خبرگزاری مهر گفت: خط ۷ مترو پایتخت، که از جمله خطوط تازه تأسیس محسوب می‌شود، اکنون ۲۶ کیلومتر مسیر و ۱۲۱ ایستگاه را در بر دارد و نقشی مهم در اتصال بخش‌های غربی و مرکزی تهران ایفا می‌کند.